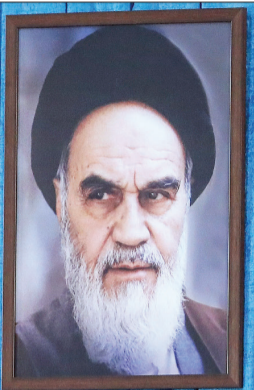


ایران چطور در مقاطع حساس و پیچیده از بحران امنیتی‌سازی عبور کرد

جریان عقلانیت و عبور از تله جنگ



امروز سی‌وششمین سالگرد صدور قطعنامه ۵۹۸ توسط شورای امنیت سازمان ملل است. این قطعنامه در ماه‌های پایانی هفتمین سال جنگ ایران و عراق و با هدف پایان دادن به این جنگ طولانی صادر شده بود. جنگی که صدام‌می‌خواست چند روزه با فتح تهران به پایان برسد، اما در آستانه هفتمین سالگرد آغاز آن بسیاری از سرزمین‌های تصرف‌شده در روزهای ابتدایی جنگ و حتی بخشی از اراضی کشور خود -مانند شبه‌جزیره استراتژیک فاو- را هم از دست داده بود. عراق دو روز پس از صدور قطعنامه آن را پذیرفت، اما فرآیند پذیرش توسط ایران یک‌سال به طول انجامید. علی‌رغم اینکه نقش صدام به‌عنوان شروع‌کننده جنگ غیرقابل‌انکار بود، در مفاد این قطعنامه عراق به‌عنوان متجاوز شناخته نشده و این برای عراق که دیگر توانایی پیشروی بیشتر در جنگ را نداشت و به‌دنبال فرار از باتلاقی که برای خود ساخته بوده، بسیار مناسب بود. عراق در این صورت می‌توانست با بازگشت به مرزهای بین‌المللی و بدون پرداخت غرامت به ایران، جنگ را به پایان برساند. گرچه تخمینی از هزینه‌صدماتی که عراق به ایران وارد کرد در دست نیست، اما برای فهم اهمیت این مساله برای عراق بد نیست در مقام مقایسه به غرامتی که عراق به‌خاطر جنگ دیگر خود در زمان صدام پرداخت کرد، اشاره کنیم. عراق در سال ۱۳۶۹ به کویت حمله کرده و در مدت چند ساعت این کشور را اشغال کرد، اما با حمله آمریکا و متحدانش مجبور به عقب‌نشینی شد و درنهایت برای جنگی که هفت‌ماه بیشتر طول نکشیده بود مجبور به پرداخت غرامتی ۵۲ میلیارد دلاری به کویت شد. اگر ایران می‌توانست کاری کند که سازمان ملل عراق را به‌عنوان متجاوز بشناسد، عراق مجبور به پرداخت غرامتی بسیار سنگین‌تر از آن میزانی که به کویت پرداخته بود به ایران می‌شد. البته ناگفته نماند که سال‌ها بعد عراق به‌عنوان متجاوز شناخته شد اما

عملا به هیچ دستاوردی برای ایران منجر نشد. در هر صورت ایران از راه دیپلماتیک نتوانست به این حق طبیعی خود دست پیدا کند و اگر می‌خواست که به‌نفع خود تغییری در قطعنامه ایجاد کند باید در میدان جنگ، مداخلات را عوض می‌کرد. ایران همین راهبرد را انتخاب کرد و زیر بار قبول قطعنامه نرفت. اما شرایط جنگ در ماه‌های آینده به‌نفع ایران پیش نرفت و عراق با عملیات‌های متعدد سرزمین‌های تصرف‌شده خود را از ایران -که پس از آزادسازی خرمشهر به‌تدریج از دست داده بود- پس گرفت. بسیاری بازیس گیری موفق شبه‌جزیره فاو توسط صدام در فروردین ۶۷ را سرازار اتفاقاتی می‌دانند که سرانجام چاره‌ای جز پذیرش قطعنامه برای ایران باقی نگذاشت.عراق در خردادماه همان سال شلمچه را هم پس گرفت. ۲۹ خردادماه مهران توسط منافقین اشغال شد و در اوایل تیرماه ایران کنترل جزایر مجنون را هم از دست داد. امام(ره) شدیداً از شرایط اداره جنگ در این ایام ناراضی بودند و در ۱۳ تیرماه در پیامی غفلت از مسائل جنگ را «خیانت به رسول‌الله(ص)، خواندند. اما تنها دو هفته بعد از این پیام شرایط به گونه‌ای بود که نظر بسیاری از مسئولان و فرماندهان وقت بر پذیرش قطعنامه بود و امام(ره) نیز پیشنهاد مسئولان را پذیرفت و ایران در ۲۷ تیر رسماً پذیرش قطعنامه را اعلام کرد. اما شرایط نسبت به سال گذشته به قدری دگرگون شده بود که این بار صدام زیربار قطعنامه نرفت و طمع کرده بود تا با ادامه حملات به ایران و استفاده از منافقین، پیشروی بیشتری در خاک ایران داشته باشد تا عنوان بیروز، جنگ را خاتمه دهد. اما خیلی زود متوجه اشتباه خود می‌شود و درنهایت جنگ در روزهای پایانی مرداد ۶۷ به پایان می‌رسد. گرچه روایت‌های

تاریخی زیاد، مبهم و بعضاً متناقضی از پشت‌پرده آنچه در بهار و تابستان ۶۷ بین فرماندهان و مسئولان وقت و امام می‌گذشت، وجود دارد. موضع دقیق امام خمینی(ره) درباره قطعنامه یکی از محل‌های اصلی اختلاف این روایت‌هاست؛ گرچه در این زمینه هم روایت‌های متناقضی وجود دارد اما حداقل می‌توان به سخنان و پیام‌های علنی امام مراجعه کرد. امام در تاریخ ۲۹ تیرماه همان سال به‌مناسبت پذیرش قطعنامه و همچنین اولین سالگرد حج خویین ۶۶، پیام طولانی و مفصلی خطاب به مردم ایران منتشر کرده و در این پیام پذیرش قطعنامه را به «نوشیدن جام زهر» تشبیه کردند. عدم‌رضایت شدید امام(ره) از شرایط جنگ در ماه‌های ابتدایی ۶۷ کاملاً در دستوری که ایشان تنها چندروز بعد از پذیرش قطعنامه صادر کردند مشخص است. ایشان در دستوری چندخطی به رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح دستور دادند که دادگاه ویژه تخلفات جنگ را در کلیه مناطق جنگی تشکیل دهند و «بدون رعایت هیچ‌یک از قوانین دست‌و‌پایر» به جرایم متخلفان رسیدگی کنند. همچنین امام در این حکم صراحتاً مجازات هر عملی را که به تشخیص دادگاه «منجر به شکست جبهه اسلام» شده باشد را اعدام می‌دانند.

اما در هر صورت ایشان علی‌رغم ناراضیاتی شدید از شرایط اداره جنگ که موقعیت نسبتاً مناسب تیر ۶۶ را به‌شرایط اسفبار تیر ۶۷ بدل کرده بود، از پذیرش قطعنامه سرباز نزد. شخصی که در مرداد ۶۷ ایران را در «مرز پیروزی مطلق» در جنگ و در حال «برداشتن قدم‌های آخر» می‌دانست و رها هر کردن جنگ در این شرایط را «خیانت به آرمان بشریت» قلمداد می‌کرد، تنها یک‌سال بعد پذیرش قطعنامه ۵۹۸ موافقت کرد. این تغییر موضع چشم‌گیر تنها در مدت یک‌سال نه از سر «پشت کردن به آرمان خواهی» در سال ۶۷ بود و نه ناشی از «عدم‌واقع‌بینی» در سال ۶۶ بلکه هر دو با منظومه منطقی سیاسی امام تطابق دارند. منطقی که همواره آرمان خواهی را با در نظر گرفتن واقعیات صحنه پیش می‌برد و هیچ‌یک را فدای دیگری نمی‌کرد. این رویکرد کلان در سیاست‌خارجی کشور در سال‌های پس از

رحلت امام نیز ادامه پیدا کرد. در برهه‌هایی که افراط و تفریط دو قشر متفاوت به‌مثابه دو لبه یک قیچی ایران را به‌سمت جنگ یا وادادگی حداکثری در مقابل قدرت‌های جهانی سوق می‌داد، همین راهبرد بود که در عین حفظ عزت و استقلال کشور، از جنگ‌های بیهوده دوری کند. در ادامه به بررسی چند مورد از حساس‌ترین برهه‌های مذکور می‌پردازیم و رویکردهای کلان ایران را برای فرار از لبه دو پرتگاهی که با ادعای آرمان‌گرایی یا واقع‌گرایی برای آن ساخته بودند بررسی می‌کنیم.

تله جنگ با طالبان خنثی شد

۱۷ مردادماه سال ۱۳۷۷، گروهی به کنسولگری ایران در مزار شریف حمله کردند و در جریان آن ۱۰ ایرانی از جمله ۹ دیپلمات و یک خبرنگار به شهادت رسیدند. ابتدا تصور می‌شد این حمله از طرف طالبان که در آن زمان بر کابل و شهرهای افغانستان سیطره یافته بودند طراحی شده‌است، اما بعدا هاشواهدی مطرح شد مبنی بر اینکه این حمله از طرف طالبان نبود و با طرح ریزی پاکستان و پشتیبانی آمریکا انجام شده بود. الله‌مدد شاهسون که تنها دیپلمات بازمانده از این حادثه‌است، در مستند «چه کسی ما را کشت؟» سرنسخی از اینکه این حمله از طرف پاکستان هدایت می‌شده، ارائه کرده و گفته است که فرمانده مهاجمان وقتی ما را به زیرزمین برد، به تلفنی که در اتاق بود اشاره کرد و با لهجه بد فارسی پرسید: با این تلفن می‌شود به پاکستان هم زنگ زد؟ گفتیم: بله! و او رفت از بالا زنگ بزند. پس از ۱۰ دقیقه همراه چند نفر دیگر آمد و ناگهان همه ما را به رگبار بستند!

پس از شهادت دیپلمات‌های ایرانی در کنسولگری ایران، خبرهایی درباره تصمیم مقامات ایرانی برای حمله به افغانستان و انتقام از طالبان مطرح شد. با وجود اینکه گفته می‌شود ایران نیروهای خود را به مرز افغانستان فرستاده بود، درنهایت ایران از چنین حمله‌ای منصرف شد و مسئولان ساکن در مزار شریف که از بازگشت‌شان به ایران جلوگیری می‌شد، به کشور برگشتند. علاءالدین بروجردی که نمایندگی ویژه دولت در افغانستان را برعهده داشته، معتقد است: «دولت به این تصمیم رسیده بوده که باید طالبان را به رسمیت بشناسد.» بروجردی در گفت‌وگو با مجله پنجره مطرح کرده بود که محسن امین‌زاده، معاون وقت وزیر امور خارجه، در مجلس ششم رسماً همین تحلیل را ارائه کرده بود.

در کتاب «عزیمت تهران» نوشته فلینت و هیلاری لورت، محسن امین‌زاده دلیل انصراف از جنگ را مخالفت رهبری روایت می‌کند و به نقل از معاون وقت وزارت خارجه مطرح کرده که نظر رهبری این بوده است که «افغانستان مانند باتلاق است؛ هر کسی که واردش شده، نتوانسته آبرومندانه خارج شود. رهبر معتقد بودند نشان دادن واکنش ضروری است، اما باید هشیارانه تمامی شرایط واکنش مسلحانه را درنظر بگیریم.»

تعبیر باتلاق را زمانی بهتر درک می‌کنیم که بدانیم ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور آمریکا پس از شکست در جنگ ویتنام مبدع راهبردی به این مضمون شد که بگذارد یک آسیایی با آسیایی بجنگد. این دکتربن به دلیل ترس از شکل‌گیری باتلاق دیگری نظیر باتلاق ویتنام بود.

عباس سلیمی‌نمین، پژوهشگر حوزه تاریخ معاصر در نامه‌ای به سعید جباری می‌گوید که شورای امنیت ملی کشور تصمیم به جنگ با طالبان داشته، اما رهبری این مصوبه را امضا و تأیید نمی‌کنند. او همچنین در این نامه، نقل قولی از رهبری در نشست‌ی صمیمانه با دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس آورده است که رهبری گفتند: «نگران نباشید! من نخواهم گذاشت جنگی صورت گیرد.»

او درباره اعزام نیروهای ایران به مرز افغانستان می‌گوید: «نیروهای ایران مانوری در مرز تشکیل دادند که برای اعلام

سیاست



آمدگی دفاعی بود و فقط جریانی که آن مصوبه را تصویب کرد، می‌خواست جنگی را ایجاد کند.»
این فعال سیاسی اصولگرا همچنین با تصدیق روایت فیلم مزار شریف از حادثه حمله به کنسولگری ایران در افغانستان، تأکید می‌کند: «رهبری آخر شب، مصوبه شورای امنیت را دریافت می‌کند و بلافاصله ساعت پنج صبح، آن را وتو کرد و با این مصوبه مخالفت کرد.»

پاسخ قدرتمندانه و منطقی ایران در قبال شهادت حاج قاسم

به قدرت رسیدن رئیس‌جمهور جمهوریخواه آمریکایی را می‌توان در تشدید بحران‌های این کشور در منطقه و جهان موثر دانست. از طرفی نیز مواضع ضد ایرانی این کشور این بار با شدت بیشتر و علنی‌تری از سوی ترامپ ابراز می‌شود. امضای برجام توسط کشورهای ۱+۵ گرچه این امید را به وجود آورده بود که تحریم‌های گسترده علیه ایران لغو شود، اما آمریکایی‌ها همچنان کرده و گزینه نظامی را فعال کند. شروع بحران‌های آمریکا در منطقه بعد از به شهادت رساندن سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس شدت پیدا کرد و با خروج آمریکا از افغانستان و تغییر مداخلات منطقه، دیگر کشورهای منطقه نیز در مداخلات خود تجدیدنظر کرده‌اند. مسیر طی شده عقلایت‌موضع ایران را تا حد زیادی روشن می‌کند. عقلانیتی که هم سایه جنگ را از سر کشور برداشت و هم مسیر خروج آمریکا از منطقه را هموار کرد.

تندروی رادیکال‌ها و موضع منطقی ایران در جنگ خلیج فارس
«چرا ملت ایران و ملت اسلام در سکوتی مرگبار به سر می‌برند؟ آیا ما وظیفه نداریم؟ آیا آمریکا خطری برای جهان اسلام نیست؟... جمهوری اسلامی و ملت مسلمان و انقلابی ایران با توجه به اصول و آرمان‌هایش از هر کشور دیگر اولی و احق است که در جهاد مقدس علیه آمریکا شرکت کند و به آزادهای مقدس و الهی امام که خلیج‌فارس باید گورستان آمریکایی‌های متجاوز شود، جامعه عمل بپوشاند.» این صحبت‌های علی‌اکبر محتشمی‌پور نماینده مجلس سوم و عضو جامعه روحانیون مبارز بود. این صحبت‌های او در واکنش به حمله آمریکا به عراق بود. ماجرا از این قرار بود؛ دو سال بعد از جنگ ایران و عراق، صدام که تصور می‌کرد جنگ با ایران به نفع کشورهای خلیج‌فارس بود و عراق بوده که خطر ایران را از این کشورها دور کرده، توقع داشت آنها نیز بدهی‌های این کشور را ببخشند و با کاهش تولید نفت، زمینه افزایش قیمت نفت را فراهم کنند. کویت اما نه بدهی‌ها را کاهش داد و نه تولید نفت را. صدام هم از گزینه حمله نظامی به کویت استفاده کرد. آمریکا اما این بار نه به حمایت از عراق، بلکه برای مقابله با حمله عراق به همراه ۳۵ کشور دیگر به عراق حمله کرد. در این میان برخی از نمایندگان مجلس سوم که عضو جناح چپ رادیکال بودند، معتقد بودند این جنگ علیه اسلام است و ایران باید به عراق کمک کند. استدلال آنها این بود که صدام، اکنون در شرایط خالدبن ولید، صحابی پیامبر که به سیف‌الله مشهور بود، قرار دارد. از این جهت برخی اظهارنظرهای آنها در این رابطه، قابل توجه است. هادی‌خانم‌ای یکی از این نمایندگان می‌گفت: «بسیار ساده‌اندیشی است که جریان حمله گسترده آمریکا و متحدانش به خلیج‌فارس را ناشی از تجاوز عراق به کویت بدانیم.» این موضوع البته مخالفان جدی داشت و با واکنش منفی مردم هم مواجه شد. شورای عالی امنیت ملی نسبت به این جنگ اعلام بی‌طرفی کرد. رهبر انقلاب نیز ضمن محکوم کردن اقدام آمریکا، از اعلام موضع بی‌طرفی ایران حمایت کرده و تأکید کرد: «دوآرگاه‌ه دو جناحند (آمریکا و صدام) که به خاطر اهداف غلط و غیرالهی با هم می‌جنگند. جمهوری اسلامی هر دو جناح را رد می‌کند چون در هر دو طرف انگیزه مادی است و

شلیک ۱۳ موشک به این پایگاه انجام شد. تا ساعت‌ها بعد از این حمله آمریکایی‌ها، آمار دقیقی از میزان تلفات نیروهای آمریکایی اعلام نکردند. ابتدا اعلام شد این حمله هیچ تلفاتی نداشته اما بعد سی‌ان‌ان اعلام کرد: «۶۴ سرباز آمریکایی بر اثر حمله موشکی ایران به پایگاه عین‌الاسد عراق دچار آسیب مغزی شده‌اند.» آمریکا البته تاکنون از اعلام آمار دقیق تلفات حمله به این پایگاه طفره رفته است. حمله به بزرگ‌ترین پایگاه آمریکایی‌ها، در کنار مطالبه خروج آمریکا از منطقه پاسخ ایران به اقدام تروریسته آمریکا بود. ترامپ در واکنش اعلام کرد اگر ایران اقدامی علیه نیروها و منافع آمریکا انجام دهد، ۵۲ نقطه از مراکز ایران از جمله مراکز فرهنگی را هدف حمله قرار خواهد داد. اقدامی که البته هیچ‌گاه عملی نشد و در حد لفاظی باقی ماند. با وجود اینکه برخی تحلیلگران نیز احتمال وقوع حملاتی علیه آمریکا را محتمل می‌دانستند، حمله به پایگاه آمریکایی در کشور ثالث علاوه‌بر اینکه اقدام آمریکا را بی‌پاسخ گذاشت، باعث شد آمریکا نتواند از انفعال احتمالی ایران برداشت ضعف کرده و گزینه نظامی را فعال کند. شروع بحران‌های آمریکا در منطقه بعد از به شهادت رساندن سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس شدت پیدا کرد و با خروج آمریکا از افغانستان و تغییر مداخلات منطقه، دیگر کشورهای منطقه نیز در مداخلات خود تجدیدنظر کرده‌اند. مسیر طی شده عقلایت‌موضع ایران را تا حد زیادی روشن می‌کند. عقلانیتی که هم سایه جنگ را از سر کشور برداشت و هم مسیر خروج آمریکا از منطقه را هموار کرد.

تندروی رادیکال‌ها و موضع منطقی ایران در جنگ خلیج فارس

«چرا ملت ایران و ملت اسلام در سکوتی مرگبار به سر می‌برند؟ آیا ما وظیفه نداریم؟ آیا آمریکا خطری برای جهان اسلام نیست؟... جمهوری اسلامی و ملت مسلمان و انقلابی ایران با توجه به اصول و آرمان‌هایش از هر کشور دیگر اولی و احق است که در جهاد مقدس علیه آمریکا شرکت کند و به آزادهای مقدس و الهی امام که خلیج‌فارس باید گورستان آمریکایی‌های متجاوز شود، جامعه عمل بپوشاند.» این صحبت‌های علی‌اکبر محتشمی‌پور نماینده مجلس سوم و عضو جامعه روحانیون مبارز بود. این صحبت‌های او در واکنش به حمله آمریکا به عراق بود. ماجرا از این قرار بود؛ دو سال بعد از جنگ ایران و عراق، صدام که تصور می‌کرد جنگ با ایران به نفع کشورهای خلیج‌فارس بود و عراق بوده که خطر ایران را از این کشورها دور کرده، توقع داشت آنها نیز بدهی‌های این کشور را ببخشند و با کاهش تولید نفت، زمینه افزایش قیمت نفت را فراهم کنند. کویت اما نه بدهی‌ها را کاهش داد و نه تولید نفت را. صدام هم از گزینه حمله نظامی به کویت استفاده کرد. آمریکا اما این بار نه به حمایت از عراق، بلکه برای مقابله با حمله عراق به همراه ۳۵ کشور دیگر به عراق حمله کرد.

در این میان برخی از نمایندگان مجلس سوم که عضو جناح چپ رادیکال بودند، معتقد بودند این جنگ علیه اسلام است و ایران باید به عراق کمک کند. استدلال آنها این بود که صدام، اکنون در شرایط خالدبن ولید، صحابی پیامبر که به سیف‌الله مشهور بود، قرار دارد. از این جهت برخی اظهارنظرهای آنها در این رابطه، قابل توجه است. هادی‌خانم‌ای یکی از این نمایندگان می‌گفت: «بسیار ساده‌اندیشی است که جریان حمله گسترده آمریکا و متحدانش به خلیج‌فارس را ناشی از تجاوز عراق به کویت بدانیم.» این موضوع البته مخالفان جدی داشت و با واکنش منفی مردم هم مواجه شد. شورای عالی امنیت ملی نسبت به این جنگ اعلام بی‌طرفی کرد. رهبر انقلاب نیز ضمن محکوم کردن اقدام آمریکا، از اعلام موضع بی‌طرفی ایران حمایت کرده و تأکید کرد: «دوآرگاه‌ه دو جناحند (آمریکا و صدام) که به خاطر اهداف غلط و غیرالهی با هم می‌جنگند. جمهوری اسلامی هر دو جناح را رد می‌کند چون در هر دو طرف انگیزه مادی است و

به همین دلیل هم با یکدیگر تعارض دارند. این‌طور نیست که یکی الهی و دیگری مادی باشد. جنگ کفر و اسلام نیست.» تأکید رهبر انقلاب بر حفظ بی‌طرفی ایران باعث شد علی‌رغم بعضی نظرات تند و به دور از مصلحت‌سنجی برخی، ایران از وارد شدن به یک جنگ و پیچیده شدن شرایط آن هم در شرایطی که تنها ۲ سال از پایان جنگ ایران و عراق می‌گذشت و کشور هنوز متأثر از شرایط پس از وقوع جنگ بود، در امان بماند.

منفعتی در این ماجرا نیست

زمانی که بین دو کشور جنگ نظامی درمی‌گیرد همواره مهم‌ترین گزینه برای پایان جنگ مذاکره است و طرف‌ها در برخی موارد برای پایان هزینه‌های جنگ ناچار به نوشیدن جام زهر نیز می‌شوند، اما اگر دو کشور در زمانی که با یکدیگر هنوز وارد تنش نظامی مستقیم نشده‌اند برای حل اختلافات به گفت‌وگو بنشینند لزوماً نباید با توجیه قطعنامه‌های پایان جنگ تعهداتی را متقبل شوند، آن هم در شرایطی که هیچ تضمینی برای اجرایی شدن تعهدات حداقلی طرف مقابل وجود نداشته باشد. ایران یک‌بار این مسیر را با آمریکا امتحان کرده است. علی‌رغم اقدامات خصمانه‌کاخ سفید ایران در مذاکرات برجام به‌گفت‌وگو با آمریکا نشست و رهبر انقلاب نیز با حمایت از مذاکره‌کنندگان ایرانی نشان دادند رویکرد سلبی در مواجهه با مسائل ندارند و همان مشی‌ای را در سیاست خارجی درپیش گرفته‌اند که پیش از این بنیانگذار کبیر انقلاب به آن پایبند بود.

رهبر انقلاب ضمن حمایت از مذاکره با آمریکا مدام بدعه‌دی احتمالی دولت این کشور را نیز متذکر می‌شدند و بر حفظ خطوط قرمز تأکید می‌ورزیدند. در ۲۰ فروردین سال ۹۴ در دیدار با مداحان اهل بیت(ع)، با تبیین منطق مصلحت‌آمیز ایران فرمودند: «امروز فقط موضوع مورد بحث و مورد مذاکره، مسائل هسته‌ای است. حالا این تجربه‌ای خواهد شد، اگر طرف مقابل از کج‌تابی‌های معمولی خودش دست برداشت، این یک تجربه‌ای برای ما می‌شود که خیلی خوب پس می‌شود در یک موضوع دیگر هم با اینها مذاکره کرد، اما اگر دیدیم نه، این کج‌تابی‌هایی که همیشه از اینها دیده‌ایم باز هم وجود دارد و کج‌راهه دارند می‌روند، طبق تجربه گذشته ما تقویت خواهد شد.» تجربه مذاکره اما نشان داد که علی‌رغم تعهد ایران طرف آمریکایی هیچ عزمی برای مصالحتی وجود ندارد. در جهت تقابل حداکثری با ایران حاضر است حتی معاهدات بین‌المللی را نیز زیر پا بگذارد.

رهبر انقلاب حتی بعد از بدعه‌دی طرف‌های اروپایی در اجرای تعهدات‌شان اهرم مذاکره را کنار نگذاشتند و ۷ شهریور سال ۱۳۹۷ در این باره فرمودند: «به‌رحال با مجموعه اروپا - کشورهای اروپایی، نه جامعه اروپا- باید ادامه ارتباط باشد، اما قطع امید کنید از اینها، از اروپا قطع امید نکنید. اروپا جایی نیست که ما بتوانیم برای مسائل گوناگون خودمان از جمله همین مساله برجام و مسائل اقتصادی و مانند اینها به آنها امید ببندیم، نه، اینها کاری نخواهند کرد، قطع امید [کنید]. این قطع امید به معنای قطع رابطه نیست، به معنای قطع مذاکره نیست.» ایشان در ادامه که دوتمدردان روحانی صحبت از بازگشت به برجام را مطرح کردند نیز باب مذاکره را نبستند و بازگشت به تعهدات را مشروط بر این دانستند که طرف‌های مقابل نیز تعهدات خودشان را عملی کنند. رهبر انقلاب ۱۹ دی‌ماه ۱۳۹۹ در سخنرانی به مناسبت سالگرد قیام ۱۹ دی در این باره گفتند: «اگر چنانچه آنها به تعهدات‌شان برگردند، ما هم به تعهدات‌مان برمی‌گردیم، بنده از اول هم همین را گفتم. از اولی که برجام مطرح شد، بنده گفتم که تعهد در مقابل تعهد، متناظر، کار آنها در مقابل کار ما، هر کاری که ما بناست بکنیم، باید طرف مقابل هم متناظر با آن کار را بکند،خب این اول کار انجام نگرفت، حالا بایستی انجام بگیرد.» با وجود حمایت‌های صریح رهبر انقلاب از مذاکرات منطقی برخی اما سعی دارند مواضع رهبر انقلاب را در تقابل با مذاکره تفسیر و وادادگی حداکثری را با تعبیر جام‌زهر برای سیاست‌خارجی کشور تجویز کنند. تفسیری که روشن است در قبال بدعه‌دی طرف‌های غربی نتیجه‌ای جز ذبح دستاوردهای کشور دربی ندارد.

۲ پرتگاه خطرناکی که ایران را تهدید می‌کنند

تلاش شد علی‌رغم وجود اختلافاتی در روایت ماجرای پذیرش قطعنامه، با استناد به مواضع علنی امام، علت «جام زهر» خوانده شدن پذیرش قطعنامه شرح داده شود. اما عده‌ای با نادیده گرفتن زمینه‌هایی که منجر به استفاده از این تعبیر شد، تلاش دارند برای تمام مسائل امروز ایران در سیاست خارجی نسخه بپیچند و طوری وانمود کنند که اگر امام هم امروز بود همین نظر را داشت. این افراد با این نسخه عملاً توصیه می‌کنند که ایران از تمام مواضع منطقی خود کوتاه بیاید. نسخه‌ای که درنهایت ثمری جز از دست رفتن عزت و استقلال ایران نخواهد داشت. طیف دیگری نیز در طرف مقابل وجود دارند که منطق انعطاف امام در سال ۶۷ را متوجه نمی‌شوند و در همه‌مسائل و تنش‌های ریز و درشت برخورد و تقابل حداکثری را غر ب‌به‌عنوان راه‌نسخه مطابق با مکتب امام توصیه می‌کنند. اگر در سال ۶۷ به نسخه این افراد عمل می‌شد قطعنامه پذیرفته نمی‌شد، دور از انتظار نبود که بخش‌هایی از خاک ایران برای همیشه از دست بروند و صدمات جبران‌ناپذیر زیادی به کشور وارد شود. اما همان‌طور که در مصادیق متعدد بررسی کردیم، رویکردی که منافع ملی کشور را در عین حفظ استقلال آن حفظ کرده هیچ کدام از این دو نسخه خطرناک نبوده‌است، بلکه راهی معقول و میانه در بین این دو پرتگاه خطرناک بوده که رهبر انقلاب درپیش گرفته‌اند.